

سبک کسب و کار



آیا مرانامه کاسبی را خوانده و امضا کرده‌ایم؟

کاسب‌هایی که جنس با طعم اخلاق می‌فروشند!

پر از مشتری است و همیشه هم مشتری راضی از خرید خود از آنجا خارج می‌شود.

■ اخلاق مداری، رمز موفقیت کاسبی

ارزان‌فروشی یا گران‌فروشی یا کم‌فروشی از موضوعاتی هستند که همیشه کاسب‌ها با آن ستجیده می‌شوند، اما حکایت این سوپرمارکت محله ما کمی متفاوت‌تر از بقیه است. سال‌های قبل مرد میانسالی صاحب یک بقالی کوچک بود. هر زمان وارد بقالی کوچکی می‌شدیم با لبخند و روی خوش مشتری خود را راه می‌انداخت. کافی بود کوتکی وارد مغازه‌اش بشود با بازی و خنده هرچه برای خرید لازم بود را به او می‌داد. بچه‌ها و بزرگ‌ترها هم خندان و راضی از خرید خود از بقالی بیرون می‌آمدند. پسرم که کوچک بود همیشه دوست داشت بستنی و خوراکی‌های خود را از عمو بقالی بخرد چون در مغازه عمو بقالی به او خیلی خوش می‌گذشت. این مرد کاسب در کنار رفتار خوشی که با مردم داشت اجناس باکیفیت با قیمت مناسبی هم می‌فروخت. صاحب مغازه به قدری خوش اخلاق و خوش‌برخورد بود که مشتریان مغازه‌اش به او اعتماد و علاقه داشتند و او حتی به مشتریان خط می‌داد که چه کالایی بخردن بهتر و بصره‌تر است. گاه حتی مشتریان او خیلی بیشتر از آنچه می‌خواستند، می‌خریدند و او نسبه می‌داد. اگر مشتری وارد مغازه‌اش می‌شد که پول کافی نداشت برایش مهم نبود و از این دست رفتار برخی کاسب‌ها را نداشت که به اندازه پولش جنس به او بفروشد. هرچه لازم بود می‌گفت بر دارد و هرچند پول دارد بدهد و بقیه را هروقت داشت تسویه کند. بعضی‌وقت‌ها اگر متوجه نداری مشتری می‌شد حتی پول هم نمی‌گرفت و به نیازمندان محله کمک می‌کرد. پسرهای عمو بقال محله ما در کنار پدر راه و

■ مریم ترابی

همه ما دوست داریم به هر مکانی وارد می‌شویم با

خوش‌رویی و لبخند میزبانمان روبه‌رو شویم. درواقع همه ما مهربانی را دوست داریم. مهمان به روی باز صاحبخانه می‌آید و مشتری هم به روی باز صاحب مغازه وارد آنجا می‌شود. همه ما روی باز و مهربانی و درستی رفتار طرف مقابلمان برایمان اهمیت دارد و اگر اینگونه نباشد تر جیب می‌دهیم یا دوست با فامیل خود که روی خوش پذیرایی از مهمان را ندارد، رفت‌وآمدی نداشته باشیم یا از کاسب محله که ترش و واخمو است و جواب مشتری را سر بالا می‌دهد هیچ‌وقت خریدی نکنیم. ■ ■ ■

■ چه عاملی مرا به یک سوپرمارکت می‌کشد؟

در اکثر محله‌های تهران شاهد انبوهی از سوپرمارکت‌ها میوه‌فروشی‌ها هستیم. به عبارت‌نی قدم‌به‌قدم سوپرمارکت و بقالی و میوه‌فروشی کنار هم زده شده است. بعضی‌وقت‌ها این سؤال در ذهنم ایجاد می‌شود که آیا همه این مغازه‌ها در آمد خوبی دارند؟ یا اینکه آیا تمام این کاسب‌ها با هم رقابت تنگاتنگی برای جذب مشتری دارند؟ ولی چه رقابتی؟ اجناسشان را ارزان‌تر از دیگری می‌فروشند یا اجناس بهتری از دیگری دارند؟ یا اینکه در اخلاق مداری با هم رقابت می‌کنند؟ در محله ما هم اینگونه است. به عبارتی سر هر کوچه یک بقالی یا سوپرمارکت دایر شده است، ولی بعضی از این سوپرمارکت‌ها همیشه پر از مشتری هستند و هیچ‌گاه از مشتری خالی نمی‌شود، برخی هم مگس می‌پرانند. مثل یکی از سوپرمارکت‌های بزرگی که در محله ما در بین انبوهی از بقالی‌ها و سوپرمارکت‌های بزرگ دیگر همیشه

سبک‌معیشت

■ کسری محمدیان

کار و تلاش برای کسب روزی حلال از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام است که به زیبایی و پر شمار در آیات و روایات به آن پرداخته شده و در سیره و رفتار حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) متجلی شده است. پیامبر گرامی(ص) اسلام(ص) دست کارگر را که منشأ تولید و رزق حلال است، می‌بوسند و علی(ع) در تمام سال‌های عمر پر بار خویش یک دم از کار و کوشش برای آبادی زمین و ایجاد باغ‌ها و بوستان‌ها دست برنمی‌دارند. در مکتب متعالی اسلام دسترنج حلال بهترین گنج زندگی است و رزق و روزی حلال و کسب معیشت هم مثل بسیاری دیگر از رفتارها از منظر اسلام، اخلاق و آدابی دارد که در ادامه نگاهی به آن خواهیم داشت. ■ ■ ■

■ یک روایت عبرت‌انگیز

روزی مردی از انصار از پیامبر(ص) کمک مادی خواست. پیامبر خدا(ص) از او پرسید: «در خانه چیزی داری؟» مرد پاسخ داد: «آری گلیلی دارم و کاسه‌ای جوین.» حضرت(ص) فرمود: «آنها را بیاور.» مرد آنها را آورد. حضرت(ص) آنها را گرفت و فرمود: «آیا کسی هست که اینها را بخرد؟» مردی گفت: «هبر دو را به یک درهم می‌خرم.» پیامبر(ص) پرسید: «چه کسی بیشتر می‌خرد؟» مرد دیگری گفت: «من دو درهم می‌خرم.» حضرت آنها را فرمود: «درخواست کردن شایسته نیست، مگر برای بی‌نوی بسیار گرسنه، یا بدهکاری که قدرت پرداخت ندارد، یا صاحب دیه‌ای دردمند. کسی که از دسترنج خویش بخورد، پروردگار با مهربانی به او می‌نگرد، هرگز عذاب



نمی‌کند و درهای بهشت به رویش گشوده می‌شود تا از دری که بخواهد وارد شود.» اندیشه در این روایت گویای آن است که حضرت(ص) می‌توانست از مال خویش به آن مرد انصاری ببخشد، همانگونه که گاهی مال فراوان به کسی می‌بخشید ولی بخشیدن به کسی که توان کار کردن دارد را کاری درست نمی‌دانست و تکی‌دگری را ترویج نمی‌کرد. ثروت‌اندوزی از راه باطل را نکوهش می‌کرد و می‌فرمود: «هرکس برای امت من یک شب آرزوی گرانی کند خداوند نهنده است.»

■ اخلاق نیکو و گشایش روزی

در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است. پیامبر اکرم(ص) در سفارش خود به ابوذر غفاری، به این مطلب اشاره کرده و می‌فرماید: «ای ابوذر، به‌درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه، از روزی خود محروم می‌شود.» در روایت دیگری، چنین می‌خوانیم: «گنج‌های رزق در اخلاق خوب

این دسته از روایات یک معنای ظاهری قابل فهم برای همگان دارند و آن اینکه بیابگر این حقیقت تجربی و اجتماعی هستند که آراستگی به فضایل اخلاقی و

برداخلاقی و بدون همکاری بر‌خورد کنند. در حالی که فراموش کرده‌اند در هر کاسبی به هر شکلی، اخلاق مداری حرف اول را می‌زند و به جمله «حق با مشتری است» باید پایبند باشند؛ جملهای که کاسب‌های قدیم به آن خیلی پایبند بودند و آن را رمز موفقیت خود می‌دانستند. هنوز هم جمله «حق با مشتری است» رمز موفقیت در هر کسب‌وکاری است. امروزه خیلی‌ها سر جای خودشان کار نمی‌کنند. پزشکمان در جای طبابت به برج‌سازی مشغول است. مهندسمان در بازار کاسبی می‌کند. معلمان در بازار خودرو دلال شده است. وقتی افراد به دلیل تغییر شرایط اقتصادی جامعه به کسب‌وکارهایی روی می‌آورند که آموزش آن را ندیده‌اند خب همان می‌شود که جامعه امروزی ما گرفتار آن شده است. کاسب‌هایی داریم که راه و رسم کاسبی را بلد نیستند.

حال شما کاسبان جامعه، اگر پزشکی هستید که برج‌ساز شدید، کارمندی هستید که طاق‌فروش شده‌اید، مهندسی می‌فروشید، قضا بدانید که باید راه و رسم و اصول کاسبی را بلد باشید، باید بدانید که چیزی به نام اخلاق کاسبی، اعتبار و تعهد به حرف و وجود دارد که باید آنها را رعایت کنید. اگر این اصول رعایت نشود اولین کسی که ضرر می‌کند خود شما تاسف‌ناک هستید. بد نیست قبل از وارد شدن به حرفه کاسبی مروری بر مرام کسبه قدیم داشته باشیم و آن ا مضای کنیم تا در کاسبی خود موفق باشیم و حبیب خدا شویم.

اخلاق معیشت از منظر آیات و روایات

دسترنج حلال گنج زندگی است

تأثیر و تأثر میان دو پدیده را دربابیم، اما هم خود عقل اقرار دارد که در روی اسباب و علل ظاهری، علل و عوامل دیگری نیز هست که فراتر از درک و فهم بشر است و کشف آنها در حدود توانایی‌های عقل مستقل نیست و هم‌این یک حقیقت مسلم قرآنی و اسلامی است که جز علل و عوامل ظاهری، علل و عوامل دیگری نیز در این عالم جریان دارد که ارتباط آنها با معلول‌هایشان چندان برای ما محسوس نیست.

■ راهکارهایی برای وهور رزق حلال

مهم‌تر از هر عاملی در افزایش روزی، داشتن تخصص و همت و پشتکار است. نمی‌شود بدون اینکه در یک کار متخصص باشیم و برای آن زحمت بکشیم، با گفتن چند خط ذکر، خواندن نماز و... توقع داشته باشیم پولمان از پارو بالا برود. فرهنگ کار و کوشش را باید از مهم‌ترین پایه‌های دینداری دانست که بدون آن نه تنها شخص در این دنیا رنگ آرامش و آسایش را نمی‌بیند، بلکه از چشم خدا و رسول هم می‌افتد. نکته مهم دیگر اینکه کار خود را زود شروع کنید. کاسب‌های قدیم در زودتر بالا کشیدن کر ذکر ده گان‌های خود رقابت داشتند، اما امروز بسیاری از آدم‌ها در مشاغل مختلف، نزدیک به ظهر عزمان را برای کار کردن جزم می‌کنند. امیرمؤمنان(ع) می‌فرماید: «صبح زود در پی روزی رفتن، روزی را افزون می‌کند.» همچنین اگر هر فردی اهل زیاده‌روی و اسراف نباشد و میانه‌روی را سرلوحه کار خود قرار دهد، بی‌شک در معیشت خود دچار مشکل نمی‌شود و خداوند هم او را کمک خواهد کرد. صله رحم، یعنی به خانواده و مراوده با دیگران نیز روزی حلال را افزون می‌کند. امام صادق(ع) می‌فرماید: «صله رحم، انسان را خوش اخلاق، باسختوت و پاکیزه‌جان می‌نماید و روزی را زیاد می‌کند و مرگ را به تأخیر می‌اندازد...» امام صادق(ع) همچنین فرموده‌اند: «کسی که به خانواده‌اش خوب احسان کند روزی‌اش زیاد می‌کند.»

■ منابع و مآخذ

- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه: رابطه اخلاق و معیشت (درس آداب و سبک زندگی اسلامی)، احمدحسین شریفی.
- وبسایت پرسمان: اخلاق پیامبر - معیشت و کسب روزی.
- وبسایت تبیان: ۱۰ راهکار برای افزایش روزی، علیرضا پیوگانی.

نگاه



فقر را در بی‌پولی و ثروت را در تمول خلاصه نکنیم

جای خالی ادبیات فقر و ثروت

در اخلاق و معنویت

■ حسین گل‌محمدی

گاهی برخی واژه‌ها به‌رغم عمق معنا و وسعت کاربردی بالقوه‌ای که دارند در عمل و با توجه به رویکردهای ما آنقدر محدود می‌شوند که به نوعی غفلت اجتماعی به بار می‌آورند. چرا غفلت اجتماعی؟ زیرا زبان و کلمات نقش تعیین‌کننده‌ای در عینیت بخشیدن به پدیده‌ها دارد و تکرار یک کلمه و منظور همراه آن موجب شکل‌گیری یک یا مجموعه‌ای از رفتار‌ها در جامعه می‌شود و چنانچه از برخی کاربردهای یک واژه مغفول شود در عمل و به طور محسوس از مصادیق آن نیز غفلت خواهد شد. به عنوان مثال وقتی ما واژگان فقر و فقیر را صرفاً در جنبه اقتصادی آن محدود می‌کنیم بالطبع ممکن است سهم حضور فقر در کنار واژگانی هم چون فرهنگ، اخلاق، معنویت و... نادیده گرفته شود و اصطلاحاتی همچون فقر فرهنگی، فقر اخلاقی و فقر معنوی نیز آنگونه که باید و شاید مجال بروز و حضور در ادبیات و مکالمات روزمره اجتماع را پیدا نکنند و دقیقاً از همین منظر از آنها غفلت شود. این غفلت در نهایت به ضرر خود اجتماع تمام می‌شود زیرا با محدودسازی چنین واژه مهمی به جنبه‌های مالی و اقتصادی، ابعاد دیگر موضوع که اهمیتی کمتر ندارند نادیده گرفته می‌شوند و قاعدتاً موضوعی که مطرح و به چالش کشیده نشود هیچ‌گاه نیز حل و فصل نخواهد شد.

پولش از پارو بالا می‌رود. خانواده‌اش هم از این ثروت بی‌کران استفاده کامل مادی را می‌برند. اما این مرد ثروتمند در عین حال که خیلی پول دارد ولی بسیار فقیر است. او فقر در اخلاق دارد. او فقر محبت کردن به فرزندان خود را دارد. او فقر آداب همسرداری دارد. همیشه فرزندانش را از خود رانده و آنها را به حال خود رها کرده است. او اخلاق در دست رفتار کردن را ندارد بنابراین به فرزندان خود نیز نمی‌تواند رفتار درست با دیگران یا رفتارهای درست اجتماعی را یاد بدهد. به همرس خود توجهی نمی‌کند بنابراین همسرش همیشه تشنه محبت است. با کمی دقت متوجه می‌شویم که همین انسان ثروتمند چقدر فقیر است. او خیلی فقیر است ولی کسی او را به دلیل داشتن مال و ثروت فراوان فقیر نمی‌نامد. داشتن مال و ثروت فقط برای رفاه و آسایش هر فردی است که اگر در جنبه‌های دیگر قوی و دارا نباشد از آن ثروت هم لذت کافی را نمی‌برد. در نتیجه همین انسان‌های فقیر در کنار خود، انسان‌های فقیر دیگری را تربیت کرده و به جامعه اضافه می‌کنند. انسان‌های فقیری که شاید در نگاه مردم و جامعه بسیار ثروتمند و غنی هم باشند.

یکی از دوستان تعریف می‌کرد: مدیر عامل وقتی ما فقیر را به نداشتن پول و ثروت بشناسیم دیگر نمی‌توانیم انسان‌های فقیر را از انسان‌های ثروتمند واقعی تشخیص بدهیم. چرا؟ به این دلیل که ما به کسی فقیر می‌گوییم که فقط پول ندارد ولی پولی برای رفاه زندگی خود ندارد ولی شاید او در جنبه‌های دیگر اخلاقی بسیار هم ثروتمند باشد و ما آنها را نبینیم. همان‌طور که اشاره شد فقر فقط پول نداشتن نیست و ما فقرهای مختلفی داریم. فقر در احسان کردن به دیگران، فقر در محبت کردن به دیگران، فقر در رفتارهای اجتماعی، فقر در بخشیدن، فقر در خود بر گردیم فقرهای بیشماری که هر یک از ما می‌توانیم آن را داشته باشیم ولی شاید از آن بی‌خبریم. انسانی که بلد نیست دیگران را ببخشد و کسبیم، فقر قند و سایر فقرهایی که همگی از آراگاه هستیم، آیا می‌توانیم ادعا کنیم که انسان ثروتمندی در اخلاق هستیم؟ انسان ثروتمندی در رفتارهای اجتماعی هستیم؟ انسان ثروتمندی در بخشیدن بخش کوچکی از دارایی خود به دیگران را به عنوان احسان و نیکی نداشته باشد باز هم او یک فقیر است و فقر از خودگذشتگی و ایثار دارد.

فرد ثروتمندی را می‌شناسیم که به قول معروف کمی به درون خود بر گردیم و خود را به چالش فقیر و ثروتمند بکشیم. آیا می‌توانیم ادعا کنیم که انسان ثروتمندی در اخلاق هستیم؟ انسان ثروتمندی در رفتارهای اجتماعی هستیم؟ انسان ثروتمندی در آداب و معاشرت با دیگران هستیم؟ اگر هر یک از ما فقط در یکی از این موارد مبتلا به فقر باشیم بدانیم که نمی‌توانیم خود را ثروتمند بدانیم

